

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: اینکه رهبر فرمودن مردم آرایش جنگی بگیرن منظور چیست؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر می‌کنم بهترین جواب، سرمقاله‌ی امروز کیهان تحت عنوان «آرایش جنگی آمریکا، آرایش مناسب ما» باشد که آقای دکتر سعدالله زارعی نوشته‌اند. آن مقاله در ذیل قرار می‌دهم. موفق باشید

### آرایش جنگی آمریکا، آرایش مناسب ما (یادداشت روز)

«دشمن علیه ما آرایش جنگی گرفته و تهاجم آنان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نفوذ اطلاعاتی و ضربه زدن بوسیله فضای مجازی است. آمریکا و صهیونیسم در همه ابعاد در حال برنامه‌ریزی و اقدام هستند... در مقابل آرایش جنگی دشمن علیه ملت ایران، ملت باید آرایش مناسب بگیرد و همه مسئولان، آحاد ملت و افراد توانا و نخبه در هر زمینه‌ای مشغول کارند با احساس مسئولیت و آمادگی وارد میدان شوند.»

این مهمترین فراز سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی- دامت برکاته- در دیدار اخیر با جمعی از معلمان متعهد و پرتلاش کشورمان بود و گرچه به دلیل وضوح کامل نیازی به شرح ندارد، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کند در اطراف آن بحث صورت گیرد: ۱. آرایش جنگی دشمن برای از بین بردن هویت و منافع ملی و بین‌المللی ایران موضوع کاملاً آشکاری است. تحریم‌های اقتصادی، اقدامات علیه قدرت دفاعی ایران، تضعیف متحدان منطقه‌ای ایران، اعمال فشار بر همسایگان ما برای قطع روابط با ایران و در نهایت سخن گفتن آشکار از تغییر نظام ایران علنی‌تر از آن است که کسی بتواند درباره نیات و اقدامات ضد ایرانی آمریکا تردیدی داشته باشد و آنان هم که ابراز تردید می‌کنند در واقع تردید ندارند. برخی برای آنکه روند داخلی در برابر تهاجم دشمن را با دشمن همخوان کنند و برخی هم اساساً برای آنکه در مقابل مقاومت، راه سازش را به جایی برسانند از دشمنی که آرایش جنگی گرفته، تصویر دشمنی که آماده پایان دادن به دشمنی‌های گذشته است ارائه می‌دهند! آرایش جنگی دشمن در زمینه نظامی نیست و اگر رفتار نظامی آمریکا طی یک دهه گذشته- و بخصوص بعد از وسوسه‌ای که در تیر ۱۳۸۸ برای مداخله نظامی پیدا کرد ولی ناگزیر کنار گذاشت- را در نظر بگیریم، در می‌یابیم که حداقل فعلاً

برنامه‌ای برای مصاف نظامی با ایرانی که از طریق جنگ نامتقارن بر آمریکا غلبه دارد، به چشم نمی‌خورد و صد البته فرماندهان و یگان‌های نظامی ایران نباید با فرض عدم جنگ، فرصت‌های ارتقاء توان نظامی ایران را از دست بدهند. همه می‌دانیم که وقوع یک جنگ همیشه پس از محاسبه دقیق و واقعی قدرت خود و قدرت طرف مقابل صورت نمی‌گیرد. بلکه اغلب، «اشتباه محاسباتی» عامل اول در وقوع جنگ‌هاست. جنگ‌های بین‌المللی اول و دوم و جنگ‌های بزرگ یا نسبتاً بزرگی که در فاصله جنگ جهانی دوم تا امروز روی داده است و از جمله جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران، جنگ ۳۳ روزه نیز برمبنای «اشتباه محاسباتی» روی دادند. ولی خب به هر حال فعلاً نه تنها نشانه‌ای از برنامه و تلاش دشمن برای درگیری نظامی علیه ایران به چشم نمی‌خورد بلکه دلایل و نشانه‌های نظامی متعددی وجود دارند که از عدم برنامه‌ریزی جنگی از سوی آمریکا حکایت می‌کنند دلیل آن هم روشن است، آمریکا خود را در «جنگ نامتقارن» که ایران به متخصص درجه یک آن تبدیل شده است، بازنده می‌بیند. ۲. اما آرایش جنگی دشمن اگرچه فعلاً در حوزه نظامی نیست، آرایش جنگی او در حوزه‌های دیگر دقیقاً همان نتایجی را دنبال می‌کنند که آرایش جنگی در حوزه نظامی در پی تحقق آن است. دشمن می‌خواهد از طریق تضعیف قدرت اقتصادی ایران و به قول خودش به صفر رساندن توان اقتصادی ایران، جمهوری اسلامی را از مسیر استقلال‌طلبی و تبدیل شدن به یک قدرت مؤثر منطقه‌ای و بین‌المللی باز بدارد. این موضوع در یک وضع طبیعی امکان‌پذیر نیست یعنی اگر دشمن بخواهد از طریق خارجی، ایران را وادار به تسلیم و تبدیل شدن به یک کشور وابسته نماید امکان‌پذیر نیست. همین روزها در خود آمریکا چندین مقاله از شخصیت‌های صاحب تجربه آمریکایی در مطبوعات مشهور این کشور درج شدند و خمیرمایه همه یک چیز بود. ایران را از طریق فشار اقتصادی و... خارجی نمی‌توان وادار به تمکین کرد. بنابراین برای اینکه ایران از مسیری که می‌رود یعنی مسیر استقلال و تبدیل شدن به یک قدرت بازگردد، باید در داخل ایران اتفاقاتی بیفتد و این اتفاقات از یک سو از طریق جانداختن این موضوع که آقا این راه هرچند ارزشمند است اما چون به جنگ ختم می‌شود به نتیجه نمی‌رسد بهتر است که قبل از آنکه دیر شود از آن برگردیم. اگر به فضای مجازی و حتی بعضی از روزنامه‌هایی که با مجوز رسمی در داخل کشور منتشر می‌شوند، نگاهی بیاندازیم می‌بینیم که هر روز صدها مطلب با همین مضمون منتشر می‌شود. بنابراین جنگ اقتصادی خارجی در فضای داخلی روی اسب رسانه و فضای مجازی مشغول تاخت‌وتاز بوده و جنگ مدت‌هاست شروع شده است. ۳. مسئله نفوذ یک‌موضوع مهم و اساسی در کارزار کنونی دشمن با ماست. همه می‌دانیم که در پرونده مذاکرات هسته‌ای که منجر به یک سند «خسارت محض» شد به‌غیر از آنکه با ضعف کارشناسی تیم ایران توأم بود، افرادی- شامل دری اصفهانی- در این تیم حضور پیدا کرده بودند و پشت صحنه طرف ایران را پیش از آغاز هر دور مذاکرات به سه طرف اصلی مذاکرات یعنی آمریکا، انگلیس و فرانسه می‌دادند و در واقع تیم ایران، خلع سلاح شده دور میز می‌نشست که طرف‌های مقابل انواعی از سلاح‌ها را برای وادار کردن او به تمکین آماده کرده بودند. نباید تردید کرد که این تیم نفوذی

جاسوس علاوه بر آنکه در دادن اطلاعات و پشت صحنه تیم ایران به دشمن نقش ایفا می‌کردند، در متقاعد کردن تیم ایرانی به تفسیری دشمن‌پسندانه از نیت و عبارات هم نقش ایفا می‌کردند و در نهایت بر سر یک سرمایه استراتژیک ایران آن آوردند که می‌دانیم.

الان در بحث نفوذ باید توجه داشت که دشمن واقعاً به‌طور گسترده در دستگاه‌های متعدد جمهوری اسلامی حتی وزارت اطلاعات ما - با همه ارادتی که به این عزیزان داریم و آنان را به تأسی از حضرت امام بحق سرباز گمنام حضرت امام زمان سلام‌الله علیه می‌دانیم- نفوذ کرده‌اند تا همان دو کارکردی که در بحث مذاکرات هسته‌ای علیه کشور به اجرا گذاشتند، به منصف‌ظهور برسانند. برای آنکه درجه نفوذ دشمن را در دستگاه‌ها دریابیم کافی است به ادبیات مسئولین، معاونین، مدیران کل، سخنگویان، مصوبات و آنچه آن‌ها به‌طور غیررسمی در فضاهای رسانه‌ای و مجازی می‌نویسند نگاهی بیاندازیم. در این میان می‌توانیم به‌مواردی اشاره کنیم: - آنان که از تهدید نظامی حرف می‌زنند و با تهدیدنمایی می‌خواهند ایجاد رعب کرده و کشور را در شرایط انتخاب بین جنگ و سازش نشان دهند؛- آنان که شرایط آینده کشور را به رغم آنکه دوران سخت تحریم‌ها را سپری کرده و امکان افزایش آن وجود ندارد، بدتر و روبه‌بدتر شدن معرفی می‌نمایند؛- آنان که مذاکره با آمریکا علی‌رغم آن‌که به شرور بودن ترامپ و تیم او اعتراف هم می‌کنند را یک گزینه منطبق با مصلحت و منافع ایران معرفی می‌کنند؛- آنان که سخن از سایه‌نشین، خانه‌نشین و محدود شدن سپاه به حوزه نظامی سخن می‌گویند که این برخلاف نص قانون اساسی هم هست که سپاه را «پاسدار دستاوردهای انقلاب اسلامی» معرفی می‌کند؛- آنان که به دروغ‌پردازی علیه گروه‌های مقاومت منطقه‌ای نظیر حزب‌الله، حشدالشعبی، انصارالله و دولت سوریه سرگرم هستند؛- آنان که روند کنونی اقتصادی که قطعاً ریشه اصلی آن در سوء مدیریت و رهاشدن امور است، علاج‌ناپذیر معرفی می‌نمایند؛- آنان که در زمانی که به همبستگی ملی در مواجهه با دشمنی که با آرایش جنگی به صحنه آمده نیاز داریم، بر طبل تفرقه می‌کوبند؛- آنان که به تضعیف موقعیت‌ها و جایگاه‌هایی که برای کشور و نظام جنبه هویت‌بخشی دارند و قله‌های دفاع از امنیت و منافع ملی ایران شناخته می‌شدند، مشغولند و به‌خصوص تضعیف‌کنندگان رهبری. این‌ها بدون شک همان ماموریت «دری اصفهانی» را به عهده دارند و مردم ما در شناسایی نفوذی‌ها نباید اسیر عناوین و چهره‌های به‌ظاهر موجه باشند و در تشخیص اشتباه کنند. ۴. در زمانی که دشمن آرایش جنگی گرفته است، ما هم باید آرایش جنگی داشته باشیم و همه می‌دانیم که در آرایش جنگی یک جایگاه برجسته‌ای به نام «فرمانده» وجود دارد. حد و خط را فرمانده باید تعیین کند و زمان حرکت و حمله و غافلگیری را او مشخص نماید. تعیین رمز و راه عملیات با اوست. بنابراین دیگرانی که می‌خواهند در مصاف با دشمن قرار گیرند که همه باید قرار بگیرند، به این نکته و نقطه توجه خاص داشته باشند. خوب حالا همان فرمانده در کنار قاعده کلی از «آتش به اختیار» هم سخن گفته است و در واقع این اجازه و حتی دستور کلی هم برای عملیات‌های دیگر صادر کرده است. در اینجا و برای آنکه مقصود فرمانده در هر دو بعد تامین گردد، از یک سو باید آتش به اختیاران چشم به اصول داشته

باشند که یکی از اصول در این شرایط عدم تضعیف دولت جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر آتش به اختیاران باید بدانند فرمانده در غیر موارد تصریح شده، تشخیص را به خود آنان وا گذاشته است درپاره‌ای از موارد که کم هم نیستند، فرمانده به دلایلی نمی‌تواند ورود کند و نیروی در خط نباید منتظر دستور بماند. در این شرایط نیروی در خط باید دو کار را توأمان انجام دهد؛ یک خطوط اصلی تعیین و تصریح شده توسط فرمانده را مد نظر قرار دهد و خلاف آن عمل نکند و از سوی دیگر مقتضیات و شرایط را در نظر بگیرد تا بتواند تشخیص دهد الان شرایط با کدامیک از دستورات و راهنمایی‌ها و یا رفتارهای قبلی فرمانده تطبیق می‌کند تا همان را به کار ببندد. ۵. در این آرایش نظامی، دشمن روی بهم‌ریختگی داخلی خیلی حساب کرده و اساساً رمز موفقیت خود را در بهم‌ریختگی داخلی می‌داند. بهم‌ریختگی یعنی چه؟ یعنی اینکه به واسطه نفوذ افراد دشمن یا به واسطه هر چیز دیگر، نیروهای ایرانی خود را در حالی که قوی هستند، ضعیف ببینند و یا دشمن را در صحنه‌ای درحالی که ضعیف است، قوی ببینند. مثلاً آمریکا قطعاً نمی‌تواند صادرات نفت ما را صفر کند اما برای آنکه برنامه آمریکا در داخل پیش برود، لازم است که طرف ایرانی این کار را ممکن ارزیابی کند. مثال دیگر این است که در حالی که ایران واقعاً قادر است به صادرات نفت سعودی - که تأمین کننده مالی توطئه‌های ضد ایرانی آمریکاست- بدون آنکه به جنگ متوسل شود و یا بدون آنکه نتیجه اقدام ایران جنگ باشد، ضربه جدی بزند و حتی آن را متوقف کند، در داخل اینگونه تصور شود که این کار، ممکن نیست و مطرح‌کنندگان، بلوف می‌زنند و یا اینکه تصور شود که سخن گفتن از این زاویه به جنگ ختم می‌شود و این به صلاح و درحد توان ایران نیست. اگر به صحنه به‌طور دقیق بنگریم درمی‌یابیم که در این آرایش چهاروجهی- اقتصادی، سیاسی، نفوذ و فضای مجازی- ایران دست برتر واقعی دارد. کسی که در خانه خود به مقابله با مهاجم می‌پردازد، منطق و موقعیت قوی‌تری دارد. کسی که با همسایگان خود نوعاً روابط راهبردی دارد، از سوی دشمنی مثل آمریکا که در همسایگی ایران نیست دچار بحران روابط اقتصادی نمی‌شود، نفوذ دشمن در داخل هرچند قوی باشد از نفوذ اسلام و انقلاب در بین مردم قوی‌تر نیست و لذا باید گفت دشمن به‌طور واقعی در همین مربع- اقتصاد، سیاسی، نفوذ و رسانه- هم توان به شکست کشاندن ایران را ندارد و البته متأسفانه در داخل این توانایی از یک‌سو ضعیف نشان داده می‌شود و از سوی دیگر تضعیف می‌گردد و با دشمن همراهی می‌شود. فرمانده گفت دشمن آرایش جنگی گرفته، مردم باید آرایش مناسب یعنی متقابل بگیرند. بسم‌الله. سعداله زارعی